

تبیین گرایش های فکری و اعتقادی زکریا رازی

مریم سادات طاهری^۱

چکیده

زکریا رازی دانشمند بزرگ ایرانی عقایدی درباره ادیان ابراز داشت که سبب شد مورد تکفیر اهل مذهب واقع شود. رازی با وجود آن که به خدا و ماوراء الطبیعت اعتقاد داشت ولی نبوت و وحی را نفی کرد و ضرورت آن را نمی پذیرفت و در دو کتاب «فی النبوات» و «فی حبل المتنبین» به نفی نبوت پرداخته است. این دو کتاب اکنون در دسترس نمی باشند، اما مخالفان رازی نقل قول هایی از این کتب را در آثار خود آورده اند. ابو حاتم رازی در کتاب اعلام النبوه زکریا رازی را دارای عقل معیوب و نفس و رأی ضعیف می داند که با آن به ابطال نبوت پرداخته است. همچنین ابن حزم نیز سخنان او را هوس و هذیان خوانده است. اما ضرورت این مقاله از این نظر است که به چه علت دانشمند فرهیخته ای چون رازی دارای چنین گرایش های اعتقادی شده است. هدف نیز بررسی نظرات در مورد این دانشمند است. سؤالاتی را در ذهن پژوهشگر ایجاد می کند و او را به کاوی در این زمینه وادار می کند. در این پژوهش تلاش شده است که گرایش های فکری و اعتقادی رازی مورد بررسی قرار داده و به این سؤال پاسخ داده شود که آیا به واقع رازی بعضی از اصول ادیان را تحقیر و تقبیح کرده است؟ و یا یک مسلمان واقعی بوده است؟ در این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی با تکیه بر منابع به بررسی اعتقاد دینی زکریای رازی خواهیم پرداخت و روایات گوناگون را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. نتیجه آن که بیشتر سخنان مطرح شده در مورد این دانشمند فرهیخته از سوی دشمنان و برای تخریب شخصیت او بوده است.

کلید واژگان: اعتقادی، زکریا رازی، فکری، مسلمان، نبوت.

مقدمه

نام وی محمد و نام پدرش زکریا و کنیه اش ابوبکر است. مورخان شرقی در کتاب هایشان او را محمد بن زکریای رازی خوانده اند، اما اروپائیان و مورخان غربی از او به نام های رازس Rhazes=razes و الرازی Al-Razi در کتاب های خود یاد کرده اند. به گفته ابوریحان بیرونی

^۱ - مریم سادات طاهری، طلبه، سطح ۲، پایه ۵، مدرسه علمیه ریحانه. Aroserobat@gmail.com

وی در شعبان سال ۲۵۱ ه.ش (۸۶۵ م) در ری زاده شد و دوران کودکی و نوجوانی و جوانیش در این شهر گذشت، چنین شهرت دارد که در جوانی عود می‌نواخته و گاهی شعر می‌سروده‌است. بعدها به زرگری و سپس به کیمیاگری روی آورد. وی در سنین بالا علم طب را آموخت. بیرونی معتقد است او در ابتدا به کیمیا اشتغال داشته و پس از آن که در این راه چشمش در اثر کار زیاد با مواد تند و تیزبو آسیب دید، برای درمان چشم به پزشکی روی آورد. در کتاب‌های مورخان اسلامی آمده‌است که رازی طب را در بیمارستان بغداد آموخته‌است، در آن زمان بغداد مرکز بزرگ علمی دوران و جانشین دانشگاه جندی شاپور بوده‌است و رازی برای آموختن علم به بغداد سفر کرد و مدتی نامعلوم در آنجا اقامت گزید و به تحصیل علم پرداخت و سپس ریاست بیمارستان «معتضدی» را برعهده گرفت. پس از مرگ معتضد خلیفه عباسی، به ری بازگشت و عهده‌دار ریاست بیمارستان ری شد و تا پایان عمر در این شهر به درمان بیماران مشغول بود. رازی در آخر عمرش نابینا شد، درباره علت نابینا شدن او روایت‌های مختلفی وجود دارد، بیرونی سبب کوری رازی را کار مداوم با مواد شیمیایی چون بخار جیوه می‌داند.

اهمیت رازی و جایگاه آراء و آثار وی در تاریخ علوم پزشکی، فلسفه، دین و اخلاق در بین اندیشمندان از ویژگی خاص برخوردار است. رازی با وجود این که در نجوم، پزشکی و داروسازی شهرت فراوانی دارد. در مقابل آثار فراوانی در زمینه فلسفه نیز دارد. برخی تفکرات فلسفی رازی را بر خلاف جریانی که در جامعه آن روزگار جاری بود، تبیین کرده‌اند. عده‌ای او را متهم کرده‌اند که به تناسخ و باور بر پنج قدیم داشته است. به کارگیری اندیشه‌های بزرگان فلاسفه یونان چون سقراط، افلاطون در آثار رازی این فرصت را به دست منتقدان او داد تا او را به سستی در ایمان متهم سازند. این مقاله ضرورت دارد که به این بررسی بپردازد حقیقتاً رازی این اندیشمند توانا، ملحد و منکر وحی و نبوت است. اهمیت این مقاله از آن جهت است که با افکار و عقاید رازی آشنا می‌شویم.

نسبت بی‌دینی و الحاد و نفی نبوت رازی را در آثار نویسندگان اسماعیل می‌توان مشاهده کرد. مسلمان بودن رازی را با توجه به تألیفاتش، قابل باور است و این که تا حدودی تفکرات تشیع امامی را داشته است. به همین خاطر از سوی بداندیشان و مخالفان شیعه امامیه به کفر و زندقه او را منسوب کرده‌اند. به نظر می‌رسد که زکریا رازی به برخی از افکار و اعمال علمای ظاهرگرا در زمان حیات خود انتقاد کرده و به همین دلیل از طرف مخالفان او را غیرمسلمان و کافر محسوب

کرده‌اند. و به این سؤال پاسخ داده شود که آیا به واقع رازی بعضی از اصول ادیان را تحقیر و تقبیح کرده است؟ و یا یک مسلمان واقعی بوده است؟

از پژوهشگرانی که در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند می‌توان به نبوی (۱۳۶۶) که در کتاب استاد محمد بن زکریا رازی و برداشت‌های علم پزشکی دهه‌های آخرین قرن بیستم از او به نبوغ زکریا رازی در مسئله پزشکی پرداخته است. موسوی گرمارودی (۱۳۷۵) در کتاب زکریا رازی به تاریخچه زندگی زکریا رازی اشاره کرده است. دهقانی (۱۳۹۴) در کتاب محمد بن زکریا رازی به زندگینامه او اشاره کرده است. ولی این پژوهش با دیدگاهی جدیدی به بررسی عقاید رازی پرداخته است.

۱-نگاهی اجمالی به زندگی رازی

محمد بن زکریای رازی به سال ۲۵۱ق/ ۸۵۶م در ری متولد شد و در بغداد به تحصیل و پژوهش پرداخت و در ۶۲ سالگی در زادگاهش و در اوج مرتبه علمی دار فانی را وداع گفت. وی سال ۲۷۵ق را به قصد بغداد ترک کرد و زندگی حرفه‌ای خود را در زمینه‌های درمان، آموزش و مدیریت بیمارستان در حدود ۱۴ سال به صورت متناوب در دو شهر ری و بغداد سپری کرد.^۱ رازی به لحاظ معیشتی از طبقات میانی جامعه بوده است. گفته‌اند در اواخر عمر به تمکن مالی دست یافت. وی روزگاری به زرگری یا صرافی پرداخت و مدتی هم به کیمیاگری روی آورد. در این اشتغال چشم وی آسیب دید و هزینه زیاد درمان، انگیزه او را به فراگیری علم طب سبب شد.^۲ علاقه فراوان وی را به کتاب تمجید کرده‌اند. در شرح زندگی وی بیان شده است کتاب همراهی همیشگی و یاری مهربان برای او بوده است و از این دیدگاه او را با کسانی چون کارل مارکس می‌توان مقایسه کرد. شهرزوری ۶۴۸ق که از مخالفان سرسخت رازی است برسخت-کوشی و اندیشیدن و اجتهاد او در آثار دیگران تصریح می‌کند. وی در بغداد به کسب دانش پزشکی، فلسفه و دانش‌های پیرامون آن پرداخت. در آن زمان آثار علمی فراوانی از زبان یونانی به سریانی و عربی برگردانده شده بودند و رازی به منابع فراوانی دست یافت. شواهدی آشنایی وی با زبان یونانی را تایید می‌کند.^۳ رازی آموزش پزشکی و دارو سازی و خدمات سلامت و درمان را

^۱ - نجم آبادی، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریا رازی حکیم و طبیب بزرگ ایرانی، ص ۵۰.

^۲ - ابوالفداء، تاریخ، ج ۲، ص ۷۶.

^۳ - غنی، ابن سینا، ص ۲۵.

در بیمارستان ارائه می‌کرد. مدیریت بیمارستان را هم در ری و بغداد بر عهده داشت.^۱ رازی طب منصوری را به امیر منصور بن اسحاق تقدیم کرد و در عهد خلیفه مکتفی از ری به بغداد آمد و عهده‌دار تصدی یک بیمارستان شد.^۲

الف- اساتید رازی

در دوره اسلامی طبیبان فیلسوف بزرگی، چون رازی، ابن‌سینا، ابوعلی مسکویه، ابن‌میمون و ابوالبرکات بغدادی ظهور کرده‌اند. در این میان تنها فیلسوف بودن رازی مورد مناقشه قرار گرفت. مخالفان رازی هم در روزگار وی و هم پس از آن او را طبیب و نه فیلسوف می‌دانستند و او سیره فلسفی را در دفاع از فیلسوف بودن خود نوشت و از طرفی رازی با جریان فلسفی در روزگار خود، اندیشه‌های نوافلاطونی، همراه نشد و آراء نامتعارف را به میان آورد. شناخت استادان رازی می‌تواند ریشه‌های فلسفی و الهیاتی دیدگاه وی را نشان دهد. ابن‌ندیم بر آن است که رازی فلسفه را نزد بلخی خوانده است.^۳ زرین کوب مراد از بلخی را ابوزید شاگرد یوسف کندی می‌داند.^۴ محقق با ارجاع به گزارش ابن‌ندیم از احوال ابوزید بلخی بعید می‌داند^۵ که مراد وی از بلخی ابوزید باشد اما شاگردی رازی نزد ابوزید را بعید نمی‌داند. اطلاعات دقیق و قابل اعتمادی در خصوص استادان رازی در دست نیست. اثر پذیری رازی از کسانی چون بلخی امری مسلم است و این می‌تواند از طریق آشنایی با آثار آنان و نه لزوماً با حضور در محافل درسی آنان حاصل آید. این فرض قابل تصور است که وی به معنای اصطلاحی واژه استاد، وامدار استادی نبوده است و اگر چند صباحی به حلقه درس کسی هم رفته است، توشه‌ای خرسند کننده بر نداشته است و شاید به همین دلیل از کسی به نام استاد خود یاد نمی‌کند، در حالی که وی هر گونه وامداری به صاحبان اندیشه و اثر را به نام آنان ارجاع می‌دهد. شبیه به این ماجرا را در خصوص ابن‌سینا نیز می‌توان فرض کرد.^۶ پس شاید بتوان گفت رازی مردی خود آموخته بود. از هیچ استادی منت نداشت و استادش کتاب بود.

^۱ - محقق، فیلسوف ری محمد بن زکریا، ص ۲۵.

^۲ - بدوی، محمد بن زکریا رازی، ج ۱، ص ۶۱۴.

^۳ - ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۲۹۹.

^۴ - زرین کوب، اسلام و میراث فلسفی، ص ۱۴۵.

^۵ - محقق، فیلسوف ری محمد بن زکریا، ص ۱۴.

^۶ - قراملکی، نظریه اخلاقی، ص ۲۰.

ب- آثار رازی

گزارش‌های مختلفی از آثار وی بیان شده است. رازی در سیره فلسفی می‌گوید: کوتاه این‌که تا این تاریخ نزدیک به دویست کتاب، مقاله و رساله در فنون گوناگون فلسفه از علوم الهی و حکمتی از زیر دست من بیرون آمده است.^۱ ابن ابی اصیبعه آثار وی را بالغ بر دویست و سی و هشت عدد می‌انگارد.^۲ نجم‌آبادی آثار رازی را بالغ بر دویست و هفتاد و یک مورد بررسی می‌کند. وی آثار رازی را هفت‌گونه می‌داند: کتاب، رساله، مقاله، دفاعیه و رد مخالفان، نقد بر پیشینیان و تلخیص آثار پیشینیان.^۳ آثار رازی تنوع موضوعی دارند و شامل طب، داروشناسی، طبیعیات، فلسفه، الهیات، نجوم و ریاضیات، منطق و کیمیا و اخلاق می‌شود. دیدگاه‌های اخلاقی رازی در آثار گوناگونی آمده است. این آثار را می‌توان به صورت‌های مختلف طبقه‌بندی کرد:

۱- الحاوی

کتاب الحاوی که به جامع کبیر هم معروف هست و به منزله دایره المعارف پزشکی است. رازی در قسمت‌های مختلف الحاوی، ضمن بیان تجارب بالینی مورد پژوهانه آموزه‌های اخلاقی را نیز به میان می‌آورد. به نظر می‌رسد رازی می‌خواهد از طریق یادگیری در حین عمل اصول اخلاقی در حرفه پزشکی را به گونه‌ای تعلیم دهد تا شاگردان آینده که با واسطه مطالعه الحاوی از وی پزشکی می‌آموزند، درس اخلاق‌ورزی نیز بیاموزند. به همین سبب نکات رازی الحاوی اهمیت فراوانی در اخلاق پزشکی دارد.^۴

۲- طب منصوری

یکی از آثار معروف رازی در علوم پزشکی است که در مواضع مختلف آن مباحث اخلاقی در حرفه پزشکی به میان آمده است. رازی در پایان گفتار هفتم طب منصوری مقاله‌ای با عنوان چشم‌بندی حقه‌بازان آورده است. موضوع این مقاله افشای فریبکاری‌های پزشک‌نماها، کارهای

^۱ - رازی، سیره الفلسفیه، ص ۱۰۹.

^۲ - ابن ابی اصیبعه، عیون الابیاء فی طبقات الاطباء، ص ۴۲۰.

^۳ - محقق، فیلسوف ری محمد بن زکریا رازی، ص ۴.

^۴ - قراملکی، نظریه اخلاقی، ص ۱۲۷.

اخلاقی رازی بر دیدگاه وی بر اوصاف خدا استوار است. رازی در پاره‌ای از اعتقادات و گونه‌های دینداری رایج روزگار خود، باورها و رفتارهای متشرعان و نه شریعت، انتقاد و چالش داشته است و همین زمینه شده است تا مخالفان وی از اسماعیلیان او را بد دین معرفی کنند. اما چرا اسماعیلیان، رازی را به الحاد نسبت داده‌اند؟ مطهری بر آن است که دو گروه رازی را به الحاد نسبت داده‌اند: گروه نخست اسماعیلیان که به رازی چهره الحاد داده‌اند و خود اسماعیلیه در تاریخ ملحد خوانده شده‌اند. گروه دوم، ملاحظه عصر ما نیز مانند اسماعیلیان چهره الحادی به رازی می‌دهند ولی نه به منظور بدون توجیه ساختن رازی بلکه به منظور توجیه کردن خودشان.^۱ داوری در اینکه اسماعیلیان از سر درد دین رازی را به الحاد متهم می‌کردند یا برای رفع اتهام الحاد خویش هدف دیگری برای نسبت الحاد می‌تراشیدند به لحاظ تاریخی دشوار است. انتقاد رازی در پاره‌ای از مسائل اعتقادی و چالش وی با برخی گونه‌های دینداری رایج در جامعه روزگار خود را نباید به معنا یا مستلزم الحاد و وحی ستیزی دانست. حاصل آنکه ملحد و ضد نبوت انگاری رازی یا ادعای بی‌دلیل و یا بر دلیل پنداری آنچه دلیل نیست استوار است.

۸- مسلمان یا شیعه بودن رازی

در مورد مسلمان و شیعه بودن رازی تردیدهای وجود دارد. استاد مطهری با استناد به گزارش ابن ابی اصبیه از آثار رازی می‌گوید: این آثار دلالت می‌کنند که اندیشه امامت فکر او را مشغول می‌داشته و این دیدگاه را بعید نمی‌داند که رازی تا حدودی طرز تفکر شیعی امامی داشته است و همه متفکرانی که این گونه طرز تفکر داشته‌اند، از طرف دشمنان شیعه امامیه متهم به کفر و زندق می‌شدند.^۲ بهره‌گیری رازی از دانشمندان یونانی شاید این توهم را اذهان ایجاد می‌کند که او مسلمان یا شیعه نبوده است. در تعالیم امامیه اینگونه است که معلم ازلی، خدای تبارک و تعالی است و جز او کسی علم آفرین نیست «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» اما در عالم امکان، معلمین متعدّدند. گر چه در بین اهل نظر چنین رایج است که معلم اول، ارسطو و معلم ثانی، فارابی است لکن اهل تحقیق برآنند که معلم اول بشر حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، معلم ثانی حضرات اولیاء و معلم ثالث، حضرات اولیاء و علمای ربانی می‌باشند.^۳

^۱ - مطهری، خدمات متقابل ایران و اسلام، ج ۱۴، ص ۴۷.

^۲ - همان.

^۳ - الله‌وردیخانی، سفر به کعبه جانان، ص ۱۲.

۹- تأثیر رازی از آموزه‌های قرآنی

در میان رازی شناسان، فرضیه اسلامی انگاری منشاء اخلاقی رازی یا حتی تأثیر آموزه‌های اسلامی بر عناصر خاصی از نظریه وی طرح نشده است. علت این امر دیدگاهی است که به نحو رایج به رازی نسبت داده می‌شود: موضع مخالفت با دین و وحی. در حالی که رازی هم در طب روحانی و هم در سیره فلسفی، به اوصاف باری تعالی مانند واحد، حکیم، علیم، عادل، رحیم، داور در روز رستاخیز و... اشاره دارد و مفاهیم قرآنی چون هوی که در قرآن پر کاربرد است و همچنین عبارت قرآنی لا یكلف الله نفسا إلا وسعها که کاربرد قرآنی آن را در طب روحانی نشان می‌دهد.^۱

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با عنوان تبیین گرایش‌های فکری و اعتقادی زکریا رازی درباره اعتقاد و اصول فکری زکریای رازی اختلاف نظر وجود دارد، برخی وی را مسلمان و عده‌ای او را کافر و ملحد قلمداد می‌کنند. با توجه به بررسی که در آراء و نظریات، آثار موجود از رازی و استفاده‌ای که از اساتید آن دوره تاریخی داشته است، در این پژوهش صورت گرفته است. به نظر می‌رسد اختلافی که در اصول اعتقادی زکریا وجود دارد از اینجا ناشی می‌شود که این اندیشمند بزرگ در تدوین آثار خود تنها به آیات قرآن و احادیث نبوی اکتفا نکرده است و در استدلال‌های خود از کتاب‌های فلاسفه یونان استفاده قابل توجهی کرده است. این روش تألیفی رازی برخلاف رسم متداول روزگار خویش بود، در آن زمان شیوه معمول نگارش نویسندگان تکیه بر آیات و احادیث و استفاده از آثار متکلمین و فلاسفه مسلمان بود. در حالیکه زکریا رازی علاوه بر آنها، به نوشته‌های فلاسفه یونان نیز نظر داشت. این موضوع موجب گردید شبیهاتی در ارتباط با اعتقادات دینی وی وارد گردد و کم‌کم این موضوع مطرح شود که وی از اسلام روی برگردانیده و کافر است. در واقع با سیری در تألیفات زکریا این مسئله روشن می‌شود که وی به اصول اسلامی پایبند بوده است و از خط شریعت محمدی خارج نشده است. در راستای این واقعیت می‌توان به روش‌های درمانی که وی در یکی از کتب خویش در درمان فقیران و تهیدستان اهتمام ورزیده است، اشاره کرد که با کمترین هزینه اقشار طبقات پایین جامعه بتوانند مداوا شوند. توجه به نیارمندان در قرآن و سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه اطهار (علیه‌السلام) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به این ترتیب مشاهده می‌شود که از دغدغه‌های زکریا بوده است. همچنین او در قسمتی از کتاب

^۱ - قراملکی، نظریه اخلاقی، ص ۲۶۲.

طب روحانی خود را به درمان امراض روحی چون عجب، حسد و بخل... پرداخته است که احادیث و آیات فراوانی در مذمت آنها و اصلاح این صفات رذیله موجود است. نتایج بدست آمده از این پژوهش این است که با توجه به مطالب فوق این حقیقت آشکار می‌گردد که رازی معتقد به اصول اسلام بوده است و گرایشاتی به امامت در نوشته‌های وی یافت می‌شود.

منابع

* قرآن کریم

- ۱- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، **ماجرای فکر فلسفی در اسلام**، تهران: طرح نو، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۲- ابن ابی اصیبعه، **عیون الانباء فی طبقات الاطباء**، تحقیق الدكتور نزار رضا، بیروت: بی‌نا، ۱۹۶۵ م.
- ۳- ابن حزم اندلسی، **الفصل فی الملل و الالهواء و النحل**، قاهره: بی‌نا، ۱۳۲۰ ه.ق.
- ۴- ابن القيم الجوزیه، ابو عبدالله، **اغاثه اللهفان من مصائد الشیطان**، تحقیق محمد سید کیلانی، قاهره: بی‌نا، ۱۳۸۱ ه.ق.
- ۵- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، **الفهرست**، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۶- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، **تاریخ**، بیروت، چاپ محمد افندی، بی‌تا.
- ۷- اللهوردیخانی، علی، **سفر به کعبه جانان**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۸- بحرانی، مرتضی، **زکریا رازی**، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۹- بدوی، عبدالرحمان، **محمد بن زکریا رازی**، ترجمه نصرالله پور جوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ه.ش.
- ۱۰- حلبی، علی اصغر، **تاریخ فلسفه ایرانی از آغاز تا امروز**، تهران: زواره، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۱- دهقانی، محمد، **محمد بن زکریا رازی**، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴ ه.ش.

۱۲- رازی، ابوبکر محمد بن زکریا، **الحاوی فی الطب**، حیدرآباد: دایره المعارف العثمانیه، ۱۳۷۴ه.ق.

۱۳- _____، **الطب الروحانی**، بیروت: رسائل فلسفیه، بی تا.

۱۴- _____، **السیره الفلسفیه**، تصحیح پل کراوس، ترجمه عباس اقبال، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ه.ش.

۱۵- _____، **اخلاق الطیب**، تحقیق دکتر عبداللطیف محمد العبد، القاهره: دارالتراث، ۱۳۹۷ه.ق.

۱۶- رازی، ابوحاتم احمد بن حمدان، **اعلام النبوه**، تصحیح صلاح الصاوی و غلامرضا اعوانی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱ه.ش.

۱۷- زرین کوب، عبدالحسین، **اسلام و میراث فلسفی**، تهران: سخن، بی تا.

۱۸- غنی، قاسم، **ابن سینا**، تهران: بی نا، ۱۳۱۵ه.ش.

۱۹- فرامرز قراملکی، احد، **نظریه اخلاقی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱ه.ش.

۲۰- کربن هانری، **تاریخ فلسفه اسلامی**، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱ه.ش.

۲۱- محقق، مهدی، **فیلسوف ری محمد بن زکریا رازی**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۷ه.ش.

۲۲- محقق، مهدی، **مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران**، تهران: سروش، ۱۳۷۴ه.ش.

۲۳- مطهری، مرتضی، **خدمات متقابل ایران و اسلام**، ج ۱۴، تهران: صدرا، ۱۳۷۸ه.ش.

۲۴- معتضد، خسرو، **زکریا رازی**، تهران: شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران، ۱۳۸۲ه.ش.

۲۵- موسوی گرمارودی، زکریا رازی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ه.ش.

۲۶- نبوی، سیفالدوله، استاد محمد بن زکریا رازی و برداشت‌های علم پزشکی دهه‌های
آخر قرن بیستم از او، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۶ه.ش.

۲۷- نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی حکیم و طبیب
بزرگ ایرانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ه.ش.